

بیست ترانه کهن لُری

«نت، شعر و تجزیه و تحلیل ترانه ها»

همراه با سی دی صوتی آواز و کمانچه

بتنهوون
مرکز موسیقی بتنهوون شیراز

علی اکبر شکارچی



سرشناسه: شکارچی، علی اکبر ۱۳۲۸.
عنوان و پدیدآور: بیست ترانه کهن لری «نت، شعر و تجزیه و تحلیل ترانه‌ها» / علی اکبر شکارچی.
مشخصات نشر: تهران، هنر و فرهنگ، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری: ۱۳۷ ص پار تیسوین، مصور.
یادداشت: فیبا.
موضوع: موسیقی محلی ایرانی - لرستان
رده بندی کنگره: موسیقی محلی ایرانی - لرستان - پار تیسوین
رده بندی دیویی: ۷۸۹/۹۶۲
شماره کتابخانه ملی: ۱۲۰۱۷۸۷

بیست ترانه کهن لری

بیست ترانه کهن لری

علی اکبر شکارچی

چاپ اول زمستان ۱۳۸۷

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

طرح جلد: روشنگر بهاریان نیکو

چاپ و صحافی: پژمان

لیتوگرافی: بهار

انتشارات هنر و فرهنگ تلفن: ۶۶۹۲۹۹۱۰ دورنگار: ۶۶۵۹۵۵۴۲

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۵۶-۱۳-۴ ISBN 978-964-5556-13-4

فهرست ترانه‌ها و رقص‌های لری

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۵۵	۸- هالووِه گنم خَره		بخش اول
۵۷	۹- دوره - دوره «خرمن کوبی»	۷	درآمد
۵۹	۱۰- کشکله شیرازی خرم آبادی	۹	پیشینه تاریخی لرستان
۶۱	۱۱- کشکله شیرازی گرمسیری «پاپی یونه»	۱۱	اصطلاحات و مفاهیم
۶۳	۱۲- علی دوسی	۱۵	سرچشمه‌های موسیقی
۶۷	۱۳- کوکلا «شیری جو»	۱۷	بستر خلق ترانه‌ها
۶۹	۱۴- کوش طلا	۱۹	ویژگی‌های موسیقی لری
۷۱	۱۵- مویه	۱۹	۱- ویژگی‌های عام هنری
۷۵	۱۶- بمیرم	۲۰	۲- ویژگی‌های فنی:
۷۷	۱۷- هیوله «سیت بیارم»	۲۰	الف- ترانه‌های با کلام و باریتم آزاد
		۲۲	ب- ترانه‌های با کلام و دارای ریتم معین
	بخش سوم: رقص‌های لری:	۲۵	بررسی اشعار ترانه‌ها
۸۱	ویژگی‌های عام هنری رقص‌های لرستان	۲۷	وظایف و مقام موسیقی‌دانان محلی
۸۳	انواع رقص‌های لری	۲۹	سازهای لرستان
۸۵	رقص سنگین سماع		
۹۵	رقص سه پا		بخش دوم تجزیه و تحلیل ترانه‌ها:
۱۰۲	رقص دوپا	۳۷	۱- خسرو و شیرین
		۳۹	۲- دایه دایه
	ضمیمه:	۴۳	۳- میری
۱۰۹	نت‌های «تار، سه تار و سنتور...»	۴۵	۴- قدم خیر
۱۳۶	منابع	۴۷	۵- آی - آی (وی- وی)
۱۳۷	جدول آوانگاری	۴۹	۶- شاهنامه خوانی
		۵۳	۷- بُزمیری

پیشینه تاریخی لرستان

نخستین ساکنان شناخته شده سرزمین کنونی لرستان، کاسی‌ها بودند. که از اوایل هزاره سوم پیش از میلاد، در زاگرس می‌زیسته‌اند. دانشمندان از مطالعه و بررسی برنزه‌های این سرزمین که، به‌ویژه طی دهه ۳۰ قرن بیستم، به اشاره خبرگان و گردآورندگان دنیای غرب^۱ از گورستان‌های لرستان به غارت رفته و هم‌اکنون مجموعه‌های خصوصی و موزه‌های اروپا و آمریکا را مزین ساخته^۲ است، نکات زیر را درباره کاسی‌ها دریافته‌اند که:

- فلزکاران چیره‌دستی بوده و خطوط و اشکال را درک و احساس می‌نمودند.^۳
 - پرورش دهندگان بی‌نظیر اسب بودند که این حیوان در نظر آنان نشانه الهی بوده است.^۴
 - عده‌ای از آنان صحراگرد و گروهی شهرنشین بوده و برخی نیز به زراعت می‌پرداخته‌اند.^۵
 - به احتمال قوی، قبایل کنونی لر که با دامداری در کوهستان امرار معاش می‌نمایند، از اخلاف کاسی‌ها هستند و اکنون نیز در همان سرزمینی که به نام ایشان لرستان نامیده می‌شود، ساکن میباشند.^۶
- مینورسکی تأکید می‌کند که فرایند گسترش فرهنگ ایران در منطقه لرستان، از هنگام تشکیل سلسله هخامنشی آغاز شده و در زمان ساسانیان با شتاب بیشتری ادامه یافته است. او برای تأیید نظریه خود به معماری بسیار پیچیده پل‌ها و راه‌ها و دیگر بناهای لرستان که متأثر از معماری ساسانی است، اشاره می‌نماید.
- چند اجمال فوق روشنگر دیرینگی، دیرپائی و درنتیجه، ژرفای فرهنگ منطقه لرستان است که هم‌اکنون بخشی از مناطق لر نشین ایران زمین را تشکیل می‌دهد.
- استان لرستان با داشتن ۱/۵ میلیون نفر جمعیت، سی هزار کیلومتر مربع از مساحت ایران عزیز را به خود اختصاص داده است.

۱- ر.ک: گابریل، آلفونس. «تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران»، ترجمه: فتحعلی خواجه نوری، انتشارات ابن سینا، تهران ۱۳۴۸،

ص ۳۷۵.

۲- گیرشمن، رمان. «ایران از آغاز تا اسلام»، ترجمه: محمد معین، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۰.

۳- راوندی، مرتضی. «تاریخ اجتماعی ایران»، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۵۶ ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

۴- گیرشمن، همان ماخذ، ص ۵۵.

۵- واندنبرگ، لوئی. «باستانشناسی ایران باستان»، ترجمه: دکتر عیسی بهنام، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، ص ۹۳.

۶- دیاکونوف، ا. م. «تاریخ ماد»، ترجمه: کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران ۱۳۵۷، ص ۱۲۱.

تنوع آب و هوا، وجود کوه‌های رفیع و شامخ، چون اشترانکوه، گرین، هشتادپهلوی و شبکه گسترده آب‌های روان در رودهای پربرکت سیمره، کشکان و سزار، در کنار آن پیشینه تاریخی درخشان که بیانگر تلاش و کوشش هوشمندانه مردم این سامان است، وضعیت اجتماعی ویژه‌ای را فراهم ساخته که بر بستر آن، همزیستی سه شیوه معیشت شهری، روستائی و ایلیاتی را با دوگوش عمده لُری و لُکی که هر یک به گونه‌ای در فرهنگ مردم این سرزمین، به‌ویژه موسیقی آن، اثر ماندگار برجای نهاده‌اند، امکان پذیر کرده است. چنان‌که موسیقی این سرزمین مانند آئینه‌ای شفاف، جنبه‌های گوناگون فوق را به نمایش می‌گذارد.

به عبارت دیگر، موسیقی این مردم بازتاب کار و تلاش، مرارت و شادمانی ناشی از آن، خشم و مهر و زیبائی طبیعت و خشنودی از پیروزی بر موانع، رنج و درد حاصل از یورش جباران و ستمگران و آرزوی غلبه بر آنان، فراخوان به مهرورزی، عشق و دوستی، شجاعت و مهمان‌نوازی و با تأسف، گاهی دعوت به ستیزه‌جویی و انتقام و امثال آن می‌باشد.

اصطلاحات و مفاهیم

مقام: لفظ مقام، واژه‌ای تازی و معادل کلمه دستگاه است که گاهی در معنای موضع و محل قرار گرفتن انگشتان نوازنده نیز به کار رفته و چون این مواضع، که همان پرده بسته شده بر دسته سازها می‌باشد، هر یک معرف لحن یا آواز یا شعبه است، از این رو همان گاه یا مقام یا مواضع که آغاز گشته، تسمیه شده است. در موسیقی قدیم ایران، توالی هفت صدا را با تکرار صدای اولی در آخر، مقام، جمع یا دور می‌نامیدند. هریک از مقامات دوازده‌گانه نیز دارای دو شعبه بوده‌اند. «در ایران یکی از معانی مقام، آهنگ موسیقی است و گویند فلان کس مقام می‌زند، یا مقام می‌نوازد یا گویند مقامی خواند یا مقامی زد. در خراسان عوام‌الناس آن را مُقُوم به ضم اول گویند.»^۱

مایه: اگر نت‌های موسیقی مانند نت‌های گام (دنبال هم) نباشد، آن را مایه نامند. نام یکی از پنج آواز موسیقی. واقع شدن نت‌های گام به ترتیب غیرمنظم (در مایه ترتیب و تنظیم نت لازم نیست). تُن و پرده، در مقابل گام است.

تونالیتته: حاکمیت صدای یک تُن را در تمام امتداد یک قطعه موسیقی، تونالیتته نامند و این حالت مخصوص را تونیک (نت اول و شروع هر گام)، به یک قطعه می‌بخشد. برای شناختن تونیک باید به پرده‌بندی علامات تغییر دهنده که در اول حامل، بعد از کلید نوشته می‌شود مراجعه کرد.

مقام- مایه: هم‌چنان که هر قطعه موسیقی ایران و آهنگ‌های محلی نیز وابسته یا ناشی از مقام دستگاه‌ها یا، مایه‌های ایرانی است، در موسیقی تونال غرب نیز هر ملودی متعلق به یک گام یا تقریباً وابسته به آن است.^۲

ریتم: این واژه مأخوذ از فرانسه بوده و عبارت است از توالی ضربات آهنگ که برای موزون کردن نوای موسیقی به کار می‌رود.^۳ اگر ضربات یک آهنگ در دوره‌های منظم قرار گیرند به ریتم‌های منظم، و اگر در دوره‌ها (میزان) ننگند، در دسته‌بندی ریتم‌های نامنظم قرار می‌گیرد.

۱- ر. ک: حدادی. نصرت‌اله. «فرهنگنامه موسیقی ایران». انتشارات توتیا، تهران، ۱۳۷۶

۲- ر. ک: همان

۳- ر. ک: همان

علامت سُرّی: (#): این علامت هرگاه سمت چپ نت‌ی قرار گیرد، آن را ربع پرده بالا می‌برد. اگر علامت منها (-) بالای سُرّی و گُرُن گذاشته شود، صدا از ربع پرده کمتر بالا می‌رود. و اگر علامت به‌اضافه (+) بالای سُرّی و گُرُن گذاشته شود، صدا از ربع پرده بیشتر بالا می‌رود.

علامت گُرُن: (٢): این علامت هرگاه سمت چپ نت‌ی قرار گیرد، آن را ربع پرده پایین می‌آورد.

سر‌ضرب: اولین ضرب هر آهنگ را سر‌ضرب گویند.

گلیساندو: با این علامت (سسسس) نشان داده می‌شود و به معنی وصل یک یا چند صدا به شکل عبوری سریع و مالش‌گونه، به طرف بالا یا پایین است.

فرود: فرود آمدن از لحن یا گوشه‌ای به لحن یا مقام اصلی را، فرود گویند. فرودها برای خاتمه یک جمله موسیقی یا یکی از اعضای آن جمله و یا خاتمه یک قطعه موسیقی، به کار می‌رود.^۱

سنکپ: اگر صدای ضرب ضعیف به صدای ضرب قوی دونت هم نام، در یک میزان یا چند میزان با یکدیگر متحد شوند، وضعیتی به وجود می‌آید که آن را سنکپ می‌گویند.

نت ایست: نت‌ی است که آهنگ، یا خاتمه می‌یابد یا بیشترین توقف را بر روی آن دارد.

دانگ: اگر هشت نت موسیقی به طور پیوسته به دنبال یکدیگر قرار گیرند، چهار نت اول را دانگ اول و چهار نت دوم را دانگ دوم گویند.

پرده: حد فاصل بین دو نت موسیقی را که متصل باشند پرده، نیم پرده یا ربع پرده گویند.^۲

فاصله چهارم و پنجم در نت: فاصله چهارم درست از دو پرده و یک نیم پرده و فاصله پنجم درست از سه پرده و یک نیم پرده تشکیل می‌شود.

فاصله استرکتور: فاصله بین صدای اول و آخرین صدای ملودی، فاصله استرکتور را تشکیل می‌دهد.^۳

پوزیسیون: در اصطلاح موسیقی، وضعیت و موقعیت انگشتان را بر روی پرده‌ها، پوزیسیون می‌گویند. در ویولون و کمانچه، اجرای موسیقی با چهار انگشت بعد از نت دست باز سیم‌ها را پوزیسیون اول گویند. اگر انگشت

۱- ر. ک: حدادی، نصرت‌اله. «فرهنگنامه موسیقی ایران».

۲- ر. ک: همان.

۳- ر. ک: مسعودیه، محمد تقی، اتنوموزیکولوژی، انتشارات سروش - تهران سال ۱۳۶۵، ص ۱۹۶.

ملودی: نوا یا آهنگ خوش را «ملودی» گویند و آن مایه اصلی موسیقی است. اصوات متوالی و موزونی است که به گوش خوشایند باشند و نغمه، لحن، آهنگ، صوت خوش و موزون را نیز گویند.

فاصله: دوری و نزدیکی نسبی بین دوت را فاصله نامند. فاصله دو نت پشت سرهم را متصل و دو نت جدا از هم را منفصل گویند.

تحریر: غلت دادن نتی بر روی ساز یا آواز را تحریر گویند. غلت و تحریر از ویژگی‌های موسیقی آوازی ایران است.

پاساژ: عبور سریع از چند نت و رسیدن به یک صدای کشدار به طور بالارونده یا پایین‌رونده را پاساژ گویند.

نت: موسیقی را به وسیله علامات و اشکالی می‌نویسند و می‌خوانند که آن را نت گویند. نت‌ها دارای هفت کشش بیانی مختلف: گرد - سفید - سیاه - چنگ - دولاچنگ - سه‌لاچنگ - چهارلاچنگ بوده که آن‌ها را دو-ر-می-فا-سل-لا-سی نام‌گذاری کرده‌اند.

نت زینت: نتی است که به علت کوتاه بودن کشش آن، جزء ریتم آهنگ محسوب نمی‌شود و همان‌طور که از نامش پیدا است، برای تزیین و آرایش ملودی موسیقی به کار گرفته می‌شود.

میزان: در موسیقی نشانه‌هایی برای مشخص کردن دوره‌ها و تعداد ضربه در هر دوره و تمیز دادن همه نکته‌های وابسته، وضع شده است. هر دوره به وسیله خطی عمودی که حامل را قطع می‌کند، از دوره‌های پیش و پس از خود جدایی‌شود. محتوای میان هر دو خط عمودی را میزان، و خط‌های عمودی را خط میزان می‌نامند.^۱

ریتم «وزن» ساده: ریتم یا وزن‌های ساده آن‌هایی هستند که واحد هر ضربشان به دو تقسیم می‌شود.^۲

ریتم «وزن» ترکیبی: وزن ترکیبی، در واقع وزن ساده‌ای است که هر واحد ضرب در آن به سه قسمت تقسیم شده و این قسمت‌های سه‌گانه را تا اندازه‌ای واحد ضرب پنداشته‌اند.^۳

علامت دیز: (#): این علامت هرگاه در سمت چپ نتی قرار گیرد، آن را نیم پرده بالا می‌برد.^۴

۱- ر. ک: منصوری، پرویز. «تئوری بنیادین موسیقی»، انتشارات چشم و چراغ، تهران، ۱۳۷۰.

۲- ر. ک: منصوری، پرویز. همان

۳- ر. ک: منصوری، پرویز. همان

۴- ر. ک: منصوری، پرویز. همان



مرکز موسیقی بتهوون شیراز

